

تبیین متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی نهادهای شهرداری در حقوق و انتظارات شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

کد مقاله: ۹۴۱۹۹

حمزه اکبرپور^۱

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی متغیرهای قوانین و مقررات، پاسخگویی، شفافیت و قانونمندی در حقوق و انتظارات شهروندی در مناطق ۵ و ۹ تهران در سال ۹۹ اجرا شده است. برای رسیدن به هدف از نظریه‌های هومنز، کاتلر، رابرت دال، پارسونز، ارنشتاین، گیدنز، بوردیو و همچنین مشاهدات تجربی و مشارکتی محقق استخراج شده بهره برده شد. روش پژوهش حاضر روش پیمایشی می باشد و مهم ترین ابزار تحقیق پرسشنامه بوده است. مهمترین ابزار تحقیق پرسشنامه می باشد. پرسشنامه تحقیق با توجه به پیشینه‌های تحقیق یا استاندارد: (۲۰۱۴)، استوارت (۲۰۱۲) و اکبرپور (۱۳۹۵) و شماعی و همکاران (۱۳۹۲) استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارکنان ۲۲ منطقه شهرداری تهران به تعداد ۳۲۲۰ می باشد که بر اساس جدول کرجسی مورگان تعداد ۳۴۵ نفر بعنوان حجم نمونه نهایی تحقیق انتخاب می شوند. شیوه نمونه گیری بصورت خوشه‌ای چند مرحله ای بوده است بدین معنا که ۲ منطقه غرب تهران ۵ و ۹ انتخاب شد. شیوه نمونه گیری تحقیق نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله ای بوده است. جهت تحلیل داده‌های خام از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ بهره برده شده است. جهت بررسی روابط بین متغیرها نیز از آزمون‌های رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق نیز نشان داده است که همه متغیرهای مستقل تحقیق که شامل شهرداری یا مدیریت شهری قانونمندی، مسولیت پذیری و پاسخگویی و شفافیت در متغیر وابسته یعنی حقوق و انتظارات شهروندی با سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۱ تاثیرگذار نشان داده شده‌اند.

واژگان کلیدی: شهرداری، قانونمندی، مسولیت پذیری و پاسخگویی، شفافیت، حقوق شهروندی

اصلاح حقوق و انتظارات شهروندی اهمیت بسیاری در بین محققان و صاحب‌نظران علمی حوزه مدیریت شهری بسیار فزونی یافته و رونق روز پیدا کرده است. بررسی چالش‌های حقوقی قانون شهرداریها و تنگناهای شهرداری‌ها در عرصه فعالیت‌های عملکردی شهری، چنانچه فارغ از چالش‌های محیطی پیرامون شهرداری‌ها و قانون شهرداری‌ها در نظر گرفته شود، بسیار انتزاعی خواهد بود. حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. (اسدیان، ۱۳۹۴).

قانونمند کردن فرایندهی شهری و شهرداری کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان می‌نماید لیکن آنچه اکنون به عنوان قانون شهرداری پیش روست، محتاج به روز رسانی و کارآمدی بیشتر است ولی چنانچه از رویکرد جلب مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت و مشارکت و نظارت شهری بنگریم، می‌بایست توجه خاصی به "شوراهای اسلامی شهر" داشته باشیم که در واقع نهادی است تصمیم ساز و تصمیم گیر، ناظر و مشاور، طراح و مجری در امور شهری (اسماعیل زاده، ۱۳۹۲).

اینکه شورای شهر و اعضای آن که منتخب مردم شهر هستند چه ارتباطی با حقوق شهروندی داشته و چگونه می‌توانند پیگیر حقوق شهروندان باشند در قالب مقررات قانون، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی شهر کانالیزه و تعریف شده است. ولی حقیقت امر این است که حقوق شهروندی در سطح یک شهر یا روستا، بسته به نیازها و وضعیت خاص ساکنان آن، دارای مصادیقی متنوع و متفاوت است و نیل به هر یک از آنها وابسته به اقدام مناسب و به موقع متصدیان و مدیران و برنامه ریزان آن شهر یا روستاست. با مشخص شدن مفاهیم (شهروندشنی) و شهروندی به جرأت می‌توان گفت: حقوق شهروندی چیزی نیست جز احترام به ارزش و کرامت والای انسانی. حقوق یک شهروند بر پایه و اساس همین اصل مورد توجه قرار می‌گیرد. از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهرو دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه‌ی آن حقوق بر عهده مدیران شهری، شهرداری و دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، "حقوق شهروندی" اطلاق می‌شود. به عبارتی حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است که اجتماع بر هر شهروند و هر شهروند نسبت به شهروند دیگر برعهده دارد. با توجه به ماهیت اسلامی بودن قانون اساسی جمهوری اسلامی و نگرش خاصی که انسان و حقوق انسانی دارد برای افراد جامعه و حاکمان و رعایت حقوق متقابل هر یک، حقوقی وضع نموده که یکی از این حقوق، حقوق شهروندی است. اصولی از قانون اساسی به حقوق شهروندی و تکالیف و مسئولیت‌های افراد و حاکمان اختصاص دارد که ضرورت دارد افراد جامعه با علم و آگاهی از حقوق خود که در قانون اساسی گنجانیده شده است نقش مؤثری به عنوان یک شهروند در جامعه ایفا نمایند و در حوزه‌های مختلف مشارکت و فعالیت داشته باشند. علم و آگاهی از این حقوق موجب ارتقای سطح شهروندی و ایجاد جامعه ای زنده و پویا بر اساس قانون، نظم و عدالت خواهد شد (اسدیان، ۱۳۹۳).

این که یک (شهروند)، قوانین زندگی شهری و وظایف متقابل مدیریت محلی و شهروندان را می‌داند و می‌پذیرد و خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند؛ درحالی که (شهروندشنین‌ها) صرفاً در یک شهر زندگی می‌کنند، بدون آنکه به قوانین و الزامات زندگی شهری احترام بگذارند و خود را متعهد، معتقد و مقید به رعایت آنها بدانند. هنگامی یک شهروندشنین به شهروند تبدیل می‌شود که حس تعلق خاطر به شهر در او زنده باشد. در طول سال‌های گذشته و با توجه به رشد جمعیت شهری در کشور و بزرگتر شدن بیشتر شهرها، تبدیل فرایند شهروندشنین به شهروند نیز روند رو به رشدی داشته اما هنوز این روند نتوانسته آنگونه که باید و در میان همه شهروندان نهادینه شود (هافمن، ۲۰۰۵).

شهروندی در برگرفته دو مفهوم است؛ یک؛ حقوق و دوم؛ انتظارات. حقوق شامل حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... که یک شهروند آن را می‌طلبد و مدیریت شهری یا شهرداری باید آن را فراهم نماید. و بخش دیگر شامل تکالیف می‌باشد که شهروند باید مکلف به انجام آن وظایف باشد و نسبت به آن باید مسئولیت پذیر باشد. اما آنچه که در مطالعه حاضر مدنظر است، به بخش تکالیف و وظایف شهروندی مرتبط است. علی‌الاحوال تحقیق حاضر به بررسی این دو سوال کلی خواهد پرداخت.

۱- قوانین و مقررات شهرداری در تحقق حقوق شهروندی تا چه حد تاثیرگذار است؟

۲- تا چه حدی عملکرد شهرداری یا مدیریت شهری در رعایت وظایف شهروندی شهروندان تاثیرگذار است؟

۲- سؤالات تحقیق

سوال کلی: چگونه شهرداری در تقویت حقوق شهروندی تاثیرگذار است؟

سوالهای جزئی:

- چگونه قوانین و مقررات شهرداری قوانین و مقررات شهرداری سبب عدم تقویت حقوق شهروندی می‌شود؟
- چگونه میزان مسولیت پذیری و پاسخگویی شهرداری در تقویت حقوق شهروند تاثیرگذار است؟
- چگونه میزان شفافیت شهرداری در تثبیت یا تقویت حقوق شهروندی تاثیرگذار است؟
- چگونه میزان قانونمندی شهرداری در تقویت حقوق شهروندی تاثیرگذار است؟

۳- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل تحقیق

در تعریف عملیاتی قانونمندی، شفافیت و مسولیت پذیری بعنوان متغیرهای (واژه مدیریت شهری) که در برگیرنده و این ابعاد بعنوان متغیر مستقل تحقیق که از اصلی ترین شاخصهای بانک جهانی و UNDP¹ (برنامه پیشرفت سازمان ملل متحد) معرفی می شوند. تعریف عملیاتی مفاهیم مذکور با توجه به پژوهش حمزه پور (۱۳۹۵) که با میزان پایایی قابل قبول ۰/۸۹ بوده است، برگرفته شده است.

تعاریف نظری متغیرهای قانونمندی، شفافیت و مسولیت پذیری

مسئولیت پذیری و پاسخگویی: اصل مسؤلیت بعنوان یکی از اصول اساسی حکمرانی خوب بر افزایش حساسیت مدیران حکومتی نسبت به خواسته های عمومی دلالت دارد. مسؤلیت پذیری عبارت است از وظایفی که اشخاص در رابطه با فعالیت های روزمره به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران مورد بازخواست قرار بگیرند (شکوهی، ۱۳۹۶).

پاسخگویی: واژه پاسخگویی تقریباً با مسؤلیت پذیری معادل است و به معنای حساب پس دهی است (گلفاند ۲۰۰۴). به عبارت دیگر هر سیستم اجتماعی یا نهاد وقتی می تواند پاسخگو باشد که مسؤلیت عملکرد خود را بپذیرد و در برابر فعالیت هایش پاسخگو باشد. پاسخگو عبارت است از احساس مسؤلیت، الزام و نیاز به توجیه خویش نسبت برخورد و دیگران (همان).
قانونمندی: منظور از قانونمندی در تصمیم گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب های قانونی در تصمیم گیری و مداخله نکردن افراد غیر مسئول در تصمیم گیریهاست. بدیهی است التزام به قوانین، مستلزم آگاهی شهروندان و نیز پایبندی مسئولان به قانون است (UNDP, 2002, 3).

۴- چارچوب مفهومی

۱- نقش: بر چسب و جای گاهی است که فرد اشغال می کند، گویند. همچنین به رفتاری اطلاق می شود که دیگران از فرد که پایگاه معینی احراز کرده است، انتظار دارند (کوئن، ۱۳۸۶، ۸۰). تعریف جامعه تر اینکه بر اساس انتظارات الگوی خاصی از رفتار میان آنها ایجاد می شود که به آن هنجار می گویند و تلفیقی از انتظارات و هنجار یعنی انتظارات هنجاری هستند که تجویز می کنند چه چیزی انتظار می رود چه کسی چه موقع چه کاری باید انجام دهد (شکوهی، ۱۳۹۶).

۲- انتظارات: هر نقشی هم ذات با انتظارات خود هست. انتظارات بخش اجتناب ناپذیر و مهمی از زندگی روزمره را تشکیل می دهد که بر بسیاری از مسائل تاثیر می گذارد (شارع پور، ۱۳۸۵، ۲۷۹). انتظارات عبارت است از برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی (گر، ۱۳۷۹، ۵۳). انتظارات ارزشی یا خواسته ها، کالا ها، خدمات و شرایط زندگی ای هستند که مردم خود را مستحق آن ها می دانند. توانایی های ارزشی، کالا ها، خدمات و شرایطی هستند که مردم عملاً توانایی کسب و حفظ آن را دارند یا گمان می کنند که در شرایط موجود می توانند آنها را داشته باشند (برک پور، ۱۳۸۶، ۵۰۱).

۳- حقوق: در هر نقشی دو دسته از انتظارات وجود دارد. یکی از ابعاد انتظارات، بحث حقوق در هر نقشی است برای کسی که آن نقش را بر عهده می گیرد. حقوق عبارتست از مجموعه توقعاتی که فر انتظار دارد دیگران در قبال انجام مسؤلیتهای نقشش نسبت به او برآورده کنند. حقوق می تواند مادی یا غیر مادی باشد مانند دستمزد یا احترام متقابل.

۴- مسؤلیت پذیری: مسؤلیت پذیری عبرت است از وظایفی که اشخاص در رابطه با فعالیت های روزمره به طور مستقیم و غیر مستقیم بر عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران مورد بازخواست قرار بگیرند (افتخاری، ۱۳۹۱).

۵- پاسخگویی: واژه پاسخگویی تقریباً با مسؤلیت پذیری معادل است و به معنای حساب پس دهی است (گلفاند، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر هر سیستم اجتماعی یا نهاد وقتی می تواند پاسخگو باشد که مسؤلیت عملکرد خود را بپذیرد و در برابر فعالیت هایش پاسخگو باشد. پاسخگو عبارت از احساس مسؤلیت، الزام و نیاز به توجیه خویش نسبت برخورد و دیگران (شکری، ۱۳۸۵، ۱۴۱).

۶- شهروند: واژه شهروند معادل polites یونانی و citizenship انگلیسی است. در ادبیات فارسی شهروند کسی است که که اهل یک شهر و یا یک کشور باشد. احمدزاده در تعریف شهروند می گوید که شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی جامعه حضور داشته باشد و در تصمیم سازی، تصمیم گیری و شل دهی به آن به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در سایه همزیستی، تعامل داوطلبانه و تلاش هم گام در نیل به سعادت دنیوی و اخروی موثر است (احمدزاده، ۱۳۸۴ صص ۹۸-۹۶).

۷- شهروندی: در ادبیات گسترده نظریه های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- ۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمام اعضای جامعه
- ۲- مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسؤلیتهای و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان.

1 United Nations Development Programme

- ۳- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۴- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضا جامعه فارغ از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی

۵- چارچوب نظری

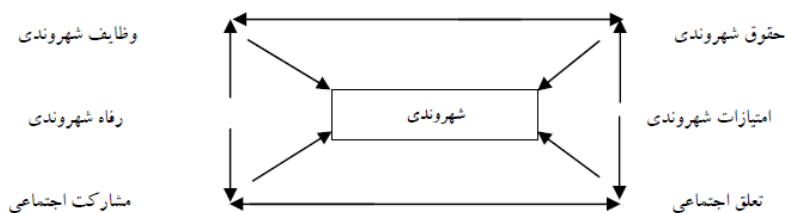
به نظر می رسد، نخستین پاسخی که از یک حقوقدان در مورد تعریف حقوق شهری^۱ می شنویم. چنین مضمونی را در بر گیرند: حقوق شهری، شاخه ای از حقوق عمومی و تنظیم کننده روابط شهروندان و مدیران شهر است. در تعریفی خاص تر شاید اصطلاح مزبور را به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق کند که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهر را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند. اما پس از اندکی تأمل چنین می نماید که اصطلاح حقوق شهرت بیشتر ناظر به حقوق در معنای اعم خود یعنی Rights است و این اصطلاح را باید تحت عناوینی چون Urban Rights یا Right to the City مورد شناسایی، بررسی و مطالعه قرار داد. آنگاه. بخشی از این حقوق که ناظر به ضمانت اجرایی و اتوریته آن است، زیر عنوان قوانین، مقررات و ضوابط شهری یا همان Urban Law فرار می گیرد که باز قسمتی از آن نیز در حوزه حقوق شهرداری با Municipal Law می باشد. پس حقوق شهری از آنجا که شاخه تنومندی از حقوق عمومی است. با حقوق به معنای عام آن سر و کار دارد و حقوق به مثابه قوانین و مقررات را تنها برای ضمانت اجرایی به خدمت می گیرد (گرمی، ۱۳۸۸). به سخن دیگر حقوق شهری عبارتست از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری و منطقه ای جهت تامین نیازمندیهای مشترک محلی از طریق ایجاد اداره و موسسات عمومی (شکوهی، ۱۳۹۳).

حقوق شهری که موضوع آن روابط مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول و هدف ها و وظایف و روش انجام آنها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است را می توان به عنوان یکی از شاخه های منشعب از حقوق اساس ادارت و جزء زیر مجموعه حقوق داخلی محسوب نمود. رشته حقوقی جدیدی است که در دسته بندی های کلاسیک، رشته های حقوقی بیش بینی نشده است. در مقابل این تقسیم بندی کلاسیک، امروزه با توجه به کاربرد قواعد حقوقی، تقسیم بندی دیگری مطرح شده است، حقوق شهری در این دسته بندی کلاسیک قابل شناسایی است. این دسته بندی به موازات دسته بندی کلاسیک می باشد

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوقی تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری ها و سایر ادارات شهری را تبیین می کند (اسدیان، ۱۳۹۳).

ملزومات حقوقی شهروندی عبارتند از:

- ۱- برای تحقق حقوق شهروندی باید به عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در جامعه توجه بود، هر کدام از این عوامل به سهم خود در تحقق حقوق شهروندی تاثیر گذار هستند. اگر به زمینه های تاریخی یوجه نشود، با نگرش های مذهبی حاکم در قدرت و جامعه دیده نشود، یا به ساختار سیاسی قدرت یعنی فردی بودن حکومت با دموکراتیک بودن آن اهمیت داده نشود، نمی توان انتظار داشت صرف اشاره با توجه به حقوق شهروندی در قانون اساسی، تضمین کننده این حقوق در جامعه باشد
- ۲- جوامع توسعه یافته دوره ای از توسعه یافتگی را پشت سر گذاشته اند که در این دوره زمینه ها و عوامل برای توسعه یافتگی هماهنگ و هم جهت شده اند. به همان میزان که به رشد اقتصادی توجه شده به اصلاح ساختار سیاسی نیز توجه شده. همین طور به کنترل جمعیت و مساله محیط زیست. همچنان که به افزایش رفاه اقتصادی شهروندان اهمیت داده شده به حق رای، حق دادخواهی عادلانه و منصفانه، حق برخورداری از آزادی بیان و حق تشکیل انجمن ها و نهادهای غیر دولتی نیز به همان اندازه توجه می شود. اما در کشورهای توسعه نیافته با در حال گذار، هم جهتی زمینه های پیشرفت کم رنگ بوده یا در حال طی کردن راه های سخت و پر فراز و نشیب است. شاید بتوان گفت بخشی از زمینه های توسعه با فرآینال جهانی شدن در حال آماده شدن است اما بخش دیگری از زمینه های توسعه که مربوط به قدرت، ساخت سیاسی و نزع حکومت، حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است روند ناهمگون و کندی را طی می کند. همه این عوامل به نوبه خود بر پیشرفت و نتیجه بخش شدن توسعه تاثیر عمیق تری بر جای می گذارد.
- ۳- شهروند به عنوان یکی از عوامل مهم تاسیس دولت و حکومت است بنابراین به حقوق شهروندی باید از این مقوله نگر بست. به اصطلاح همان گونه که شهروندان در فرمانبرداری سهیم هستند باید در حکمرانی هم سهیم باشند. در چنین فرآیندی حقوق شهروندی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است، بنابراین جامعه ما نیازمند اصلاح نگرش نسبت به مفهوم حقوق شهروندی است. این اصلاح نگرش هم از درون قدرت و از بالا است و هم از پایین و از درون جامعه و در روابط بین شهروندان عملی می شود. از جمله راه های تحقق حقوق شهروندی تقرب نهادهای مدنی است، در این صورت دولت نباید نهادهای مدنی را که در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فعالیت می کنند به دیده مزاحم نگاه کند.



شکل شماره (۱) ارتباط حقوق شهری و حقوق و انتظارات شهروندی منبع، اسدیان، ۱۳۹۳

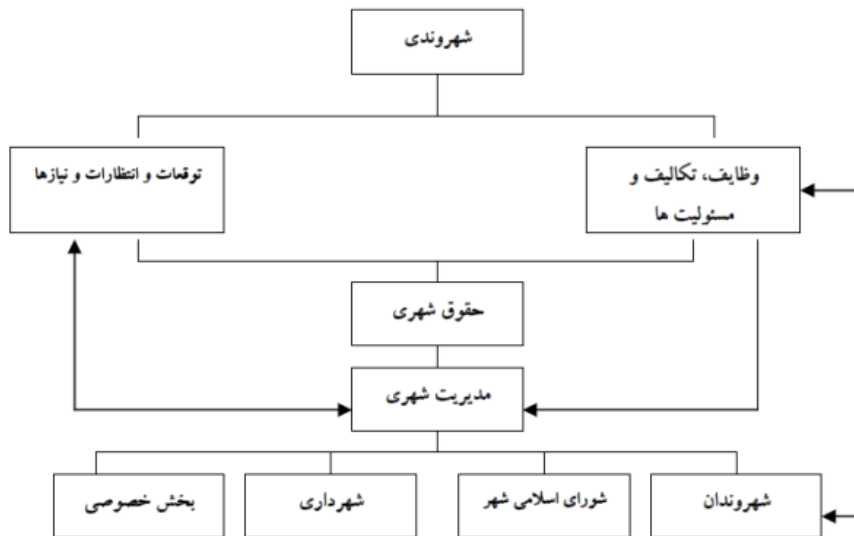
در تمامی کشورهای پیشرفته و حتی در اغلب کشورهای جهان سوم، نظیر هندوستان و ترکیه مقررات شهرسازی به صورت قانون در می آید و توسط مراجع قوه مقننه نصب می شوند. در ایران گذشته از فقدان بحث حقوقی منسجمی تحت عنوان قانون شهرسازی، مقررات برکننده ای که در این زمینه وجود دارند نیز اکثراً محصول و محبوب قوه مجریه مستند (افشای نادری، ۱۳۷۹، ۲ و ۳).

به طور کلی در نظام حقوقی کشور قوانین شهرسازی از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند و بیشتر به صورت ضوابط اداری مطرح می شوند و بدیهی است در چنین شرایطی دیدگاه مراجع حقوقی به قوانین شهرسازی در حد ضوابط اداری است و در صورت هر گونه تعارض با قوانین جاری کشور، قوانین شهرسازی نادیده گرفته می شود (اردشیری، ۱۳۷۹، ۱۹).

به طور کلی، بحث در حوزه حقوق شهروندی، خود یک بحث مستقل و جامع است اما ضوابط و مقررات شهرسازی یا به تعبیر دیگر حقوق شهرسازی در صورت انطباق با اصل بهره مندی مورد نظر مارشال که در عبارت حقوق شهروندی خلاصه می گردد، بسیار کارآمد ارزیابی می شوند. برای این منظور در وهله اول اماما باید بیان می کرد که در حال حاضر در حقوق شهرسازی و مدیریت شهری ملاک عمل، چه میزان، حقوق شهروندی مشروعیت داد؟ و آیا سازوکارهای ظهور در رابطه شهروندی در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب وجود دارد؟

نتایج بررسی مجموعه مقررات و شهر سازی و معماری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تاریخ تأسیس تاکنون، حاکی است که متأسفانه اساساً چنین رویکردی در مجموعه ضوابط و مقررات عمومی شهر سازی وجود ندارد، به طوری که حتی کاربرد اصطلاحاتی نظیر «شهروند» و «مردم» در متون ضوابط و مقررات مربوط حتی برای یک مورد نیز مشاهده نمی شود. بنابراین چنین استنتاج می گردد که اساساً در مجموعه ضوابط و مقررات شهرسازی حقوق شهروندی مشروعیت ندارد. از طرف دیگر ساز و کارهای ظهور «شهروندی» در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب نادیده گرفته شده است. به طوری که در ضوابط مصرح نحوه تصویب طرح های جامع شهر ها و نحوه تهیه تصویب ضوابط و مقررات اجرایی طرح های جامع و هادی و... هیچ ساز و کاری برای ظهور شهروند به عبارت بهتر «شهروند سازی» در فرایندهای تصمیم گیری و انتخاب پیش بینی نگردیده است. بررسی ضوابط و مقررات اختصاصی شهر تهران نیز حاکی از این معضل و کاستی است. به طوری که اولاً در تهیه و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی از جمله در فرایند تهیه و تصویب اولین طرح جامع شهر و طرح حفظ و ساماندهی و نیز ضوابط و مقررات اجرایی، حقوق شهروندی نادیده گرفته شده و به مجموعه شهر بسان شیئی برخورد شده است، از این رو، نمی توان از انطباق آن با مطلوبیت های خاص شهروندان اطمینان حاصل کرد. ثانیاً، تحلیل محتوای ضوابط و مقررات اجرایی طرح جامع و مجموعه ضوابط و مقررات ملاک عمل صدور پروانه ساختمانی، تفکیک اراضی، کسب و پیشه حاکی از آن است که حتی از کاربرد اصطلاح «شهروند» و اصطلاحات جایگزین نظیر مردم و پیش بینی فرایندهایی برای مشارکت آن در ساز و کارهای تصمیم گیری خودداری شده است. در مجموعه مقررات و ضوابط ملاک عمل کسب و پیشه واحدهای تجاری و تولیدی، استعلام و اخذ نظر اتحادیه های صنفی، صنوف تولیدی و خدمات فنی به استناد ماده ۱۵ قانون اصلاح قانون نظام صنفی (مصوب ۶۸/۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی) مورد توجه و مشروعیت یافته است ولی حتی این امر این در خصوص صدور مجوز به واحد های جدید صنفی محدود به همان واحد صنفی برده و نظرسنجی از شهروندان دین را نیز تا بر نمی گیرند (صالحی، ۱۳۸۲، ۱۳۴). حال آن که قوانین و ضوابط شهرسازی تکلیف شهروندان را در ایجاد مهر گونه بنایی در شهر روشن می کنند. در حال حاضر با شرایط موجود معمولاً اولین باری که شهروندان ضوابط و مقررات شهرسازی را مورد توجه قرار می دهند، هنگامی است که برای اخذ پروانه احداث ساختمان یا محل کار و کسب خرد به شهرداری مراجعه می کنند. در این زمان رابطه شهروند یا شهرسازی بسیار سطحی است و به لحاظ عدم آگاهی با فلسفه قوانین و مقررات، آن را مانعی شاه رسیدن به خواسته های خود یا ابزاری در دست شهرداری برای کسب در آمد می پندارد (هاشمی، ۱۳۷۹، ۲۳). مهمترین نمونه ای که ناقض مطلوبیت های شهروندان در شهر تهران است، اثرات فروش تراکم مازاد می باشد. فروش تراکم مازاد با توجه به اثر آن در کاهش سرانه کاربری های رفاهی و توان محیطی شهر در مقابل آلودگی هوا، افزایش ترافیک و مشکلات دیگری که ناشی از آن می گردد، یک ناسازگاری بارز در رابطه با مطلوبیت های شهروندان می باشد. مصوباتی که در قالب ضوابط و مقررات فروش تراکم مازاد طی دهه اخیر در شهر تهران ایجاد شده با مطلوبیت شهروندان هیچ انطباقی ندارد. بر همین اساس خلاصه گزارش نظرسنجی از شهروندان تهرانی در تیر ماه ۹۱ مزید آن است که اگر

فردی به اتفاق مردم با توقف فروش مازاد تراکم موافق بوده اند، اما هیچ یک از آن‌ها با استناد ماده ۳۸ قانون مدنی خواستگار رسیدگی به آن نشده‌اند(صالحی، ۱۳۸۲، ۱۲۹، به نقل از موسسه ملی پژوهش، ۱۳۸۱، ۱).



شکل شماره ۲ ارتباط مفاهیم تشکیل دهنده مدیریت شهری (منبع کمالی و همکاران، ۱۳۹۵)

۶- پیشینه تجربی

کمالی و همکاران (۱۳۹۵) نتایج پژوهش نشان می‌دهد اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد.

در پژوهشی که شادی و شکاری (۱۳۹۸) با عنوان نقش مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ و اخلاق شهروندی انتشار نمودند، مهمترین نتایج تحقیق عبارت بوده است از اینکه آموزش شهروندی، پیوست فرهنگی و نحوه مدیریت شهری در ارتقاء فرهنگ و اخلاق شهرنشینی تأثیرگذار بوده است. ضمن اینکه نتایج نشان داد که میزان آگاهی شهروندی از حقوق شهروندی کمتر از حد متوسط بوده است. ضمن اینکه راهکاری ارائه شد مبنی بر اینکه مدیریت شهری باید برای آگاه‌سازی عمومی و ایجاد و ارتقای فرهنگ شهرنشینی، گسترش شهروند مداری و آموزش شهروندان در زمینه‌های مختلف، کارکرد و فعالیت فرهنگی داشته باشد.

در پژوهشی که تحت عنوان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری توسط تقوایی و همکاران (۱۳۹۴) انجام داده‌اند، مهمترین نتایج تحقیق بدین صورت بوده است که بین رضایت شهروند، احساس مالکیت شهروندی، رویکرد عدالت محوری شهرداری با مشارکت ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد.

در پژوهشی که احد بهشتی اصل در سال ۱۳۹۵ با عنوان بررسی نقش نهادهای غیردولتی^۱ در احیاء جایگاه حقوق شهروندی کلانشهر تبریز انجام داده است، مهمترین یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که تشکیل نهادهای غیردولتی هر چند در سطح قابل قبول توانسته است، در زمینه احیاء حقوق شهروندی، نقش ویژه‌ای در بالابردن سطح آگاهی شهروندان، شناساندن وظایف حقوق شهروندی داشته باشد. در نهایت به دو نمونه از مشارکت شهروندی اشاره شد که شهروندان در آن حقوق شهروندی را رعایت نموده‌اند: ۱- عدم وجود فرهنگ گداپروری، ۲- یکدستی قومی و عدم وجود افراد مهاجر یا افغانی که سبب می‌شود از ناهنجاریهای رفتاری و اخلاقی به مراتب کاهش یابد.

رضازاده و محمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان اعتماد به مدیریت شهری و انجام تکالیف شهروندی تحقیقی انجام داده است، نتایج تحقیق نشان داد که بین اعتماد به پاسخگویی، اعتماد به شفافیت مالی، اعتماد به قانونمندی با رعایت تکالیف شهروندی ارتباط مستقیم و معناداری دارد، بدین معنا که هر یک از ابعاد اعتماد افزایش یابد، رعایت تکالیف شهروندی نیز گسترش می‌یابد.

فاطمی نیا (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و اسنادی تحت عنوان «فرهنگ شهروندی: محصول حاکمیت شهری معتمد، مدیریت شهری کارا و شهروند فعال» در این تحقیق بدست آمد که اقدامات و فعالتهای بدنه‌های اجرایی اصلی جامعه شهری یعنی؛ نهادهای دولتی و مدیریت شهری بطور مستقیم در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی مؤثر هستند. برخی دیگر از نتایج تحقیق مذکور نتایج تحقیق بیانگر این بوده است که شهروندی محصول و محمل تعهد و مسؤل بودن عناصر مختلف جامعه می‌باشد و

۱- سمن‌ها یا سازمانهای مردم نهاد

برای تحقق آن نیازمند یک حرکت دو سویه هستیم. یکی از بالا به پایین، که همان فرصت دهی و مشارکت جویی ساختار کلان می باشد و دیگری از حرکت از پایین به بالا که همان مشارکت و فعالیت های اجتماعی شهروندان برای حضور در عرصه های مختلف جامعه، به ویژه عرصه عمومی است.

بلیاس و کاستلیوس^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ضمانت اجرایی قوانین شهرداری و حقوق شهروندی به این نتایج دست یافتند که بین مقررات و قوانین شهری لازم الاجرا و تکوین حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد شد که قانون و مقررات شهری نباید استثناء پیدا کند و عدالت باید برای همه یکسان عمل کند. ضمن اینکه عواملی مثل میزان شناخت و آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی سبب رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی می گردد.

میسرا^۲ و همکارانش در کشور هند در سال ۲۰۱۴ پژوهشی با عنوان ناحیه محوری، ضرورت ارتقاء مدیریت محلی در دهلی را منتشر نموده اند که نتایج آن بدین شرح است: یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در ارتقاء مدیریت در شاخصهای قانونمندی و کاهش فاصله طبقاتی جامعه، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی و وجود سرمایه فکری می باشد. همچنین در این تحقیق مدیریت شهری جهت کاهش فاصله طبقاتی راهکار اجرایی اجاره منازل مسکونی به گروههای کم درآمد جامعه را به جای خرید و اعطای مالکیت را روش قابل اجرا و عملی می داند.

الحرابی و الیحیا^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان فرهنگ شهروندی و ابعاد تعریف شده در مدیریت شهری را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بطور کلی تحقق حقوق شهروندی مستلزم شناخت و به تبع آن آگاهی شهروندان از مولفه ها و ابعاد این حقوق در دایره مدیریت شهری می باشد، لذا ابتدا می بایست شهروندان شناخت لازم را از مقوله حقوق و یا فرهنگ منتسب به آن بدست آورند و بتدریج به نقش بنیادی شان به عنوان فرد مسئول در اداره امور اجتماعی و شهری پی ببرند.

سین^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله ای عوامل موثر بر رعایت تکالیف و وظایف شهروندی (بعدهی از حقوق شهروندی) را در استرالیا بررسی نموده اند، نتایج یافته های شان نشان داد که از مهمترین فاکتورهای موثر که به طور معنی داری در تکوین حقوق شهروندی تأثیرگذار نشان داده اند، می توان به برخورداری از حقوق و امتیازات شهروندی از قبیل برخورداری از حقوق فرهنگی، از قبیل تساوی حقوق از هر رنگ و نژاد، آموزش و پرورش و... حقوق اجتماعی از قبیل آزادی بیان، آزادی و استقلال احزاب حتی احزاب مخالف، انتقاد از بی عدالتی ها، برخورداری از حق تامین اجتماعی و ... شهروندان اشاره کرد. ضمن اینکه نوع نگرش دینی در رعایت تکالیف و وظایف شهروندی تأثیری نداشته است.

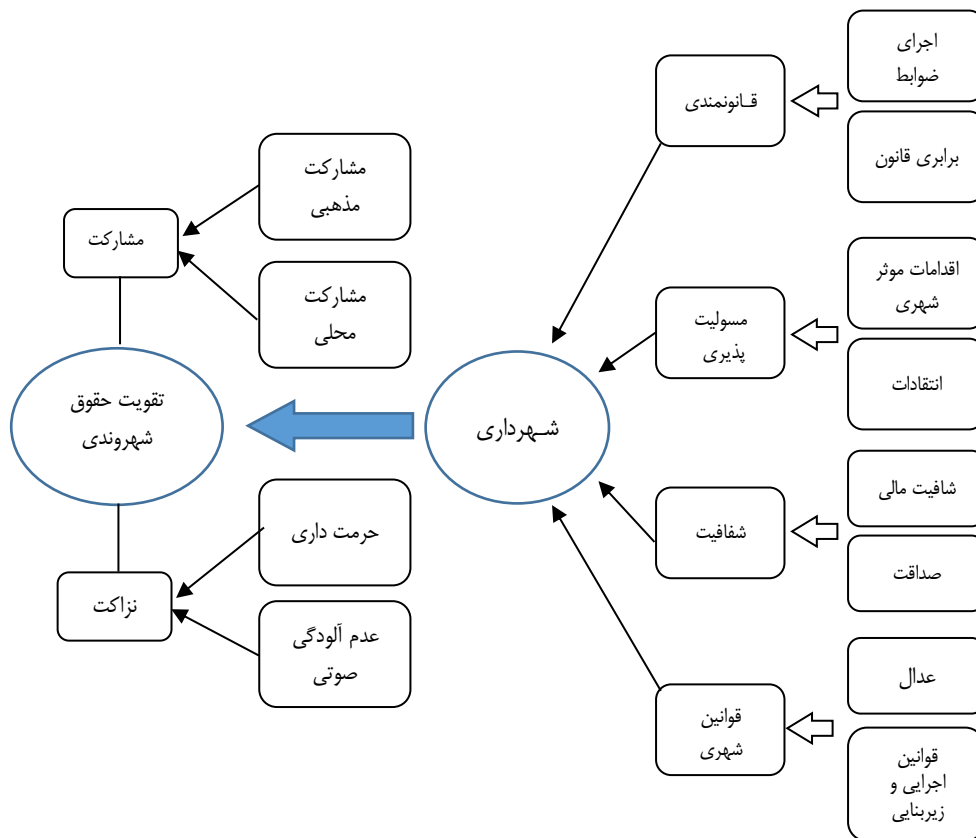
بورال^۵ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله ای تحت عنوان تبیین نقش شهروندی در حقوق شهروندی نشان دادند که آموزش نقش شهروندی می باشد که از طریق جریان جامعه پذیری پرورش می یابد. در این تحقیق اینگونه نتیجه گیری حاصل شد که عوامل دخیل در جریان جامعه پذیری (که مهمترین مسیر مدنی شدن افراد در هر جامعه ای را تشکیل می دهد) می بایست برآیند حاصل از "آموزش شهروندی" را برای تک تک شهروندان به "باور شهروندی" مبدل نمایند.

باسیل و کایا^۶ (۲۰۱۲) در مطالعه خود نقش شهرداری در شکل گیری حقوق شهروندی را بررسی کردند. نتایج این تحقیق حکایت از آن داشته که مدیریت شهری یا شهرداری کارآمد و شایسته سالار می تواند تا حدود زیادی سبب ایجاد و تقویت حقوق شهروندی شهروندان شود. برخی دیگر از نتایج این تحقیق حاکی از آن است که چنانچه حقوق مسلم شهروندان از قبیل حقوق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شهروندان رعایت و ارائه شود، انجام وظایف شهروندان بصورت خودجوش و داوطلبانه رعایت می شود. بیارتی رعایت حقوق شهروندی مستلزم وجود ارتباط و تعامل دوجانبه بین نهاد شهرداری در ارائه حقوق به شهروندان و شهروندان در انجام تکالیف و وظایف شان می باشد.

گیلبرت و گایگر^۷ در سال ۲۰۱۰ پژوهشی با عنوان حقوق شهروندی و مدیریت شهری در جوامع توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته انجام داده اند که به این نتایج مهم رسیدند که قوانین و مقررات شهری در کشورهای به اصطلاح نیم بند/جهان سوم) نسبت به کشورهای توسعه یافته فاقد کارایی هستند. در این گونه کشورها تمامی فعالیتها از فعالیتهای اقتصادی تا کسب پروانه ساختمان و اجازه کسب و کار شامل مقررات دولتی می شوند، حقوق شهروندی در کشورهای جهان سوم محدود شده و یا وجود ندارد و ابعاد مجازاتها نیز گسترده است و نهایتاً گریز از قانون و وظایف به هر شکلی زیاد است.

1. Belias & Koustelios
2. Misara
3. Alharabi & Alyahya
4. Seen
5. Boral
6. Yesil & Kaya
7. Gilbert & Gaiger
8. Soft states

۷- مدل تحلیلی تحقیق



۸- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر روش پیمایشی می باشد.

متغیرهای مقاله:

متغیرهای مستقل: قانونمندی، مسئولیت پذیری و پاسخگویی، شفافیت شهرداری و قوانین و مقررات شهرداری
متغیر وابسته: حقوق و انتظارات شهروندی

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه:

منطقه ۵ و ۹ شهرداری تهران در شمال غربی تهران واقع گردیده است. قبل از شکل گیری منطقه ۲۲ شهر تهران، منطقه ۵ و ۹ به عنوان نقاط غربی شهر تهران محسوب می شود. این جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارکنان ۲۲ منطقه شهرداری تهران به تعداد ۳۲۰۰ می باشد که بر اساس جدول کرجسی مورگان تعداد ۳۴۵ نفر بعنوان حجم نمونه نهایی تحقیق انتخاب می شوند. شیوه نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای بوده است بدین معنا که ۲ منطقه غرب تهران ۵ و ۹ را بدلیل مجاورت بودن به عنوان محل آزمودنیهای تحقیق انتخاب شد.

$$N=3200 \quad n = 345$$

روایی و پایایی تحقیق

مهمترین ابزار مقاله پرسشنامه می باشد. پرسشنامه تحقیق با توجه به متغیرهای تحقیق از میسر (۲۰۱۴)، استوارت (۲۰۱۲) و همچنین اکبرپور (۱۳۹۵) و شماعتی و همکاران (۱۳۹۲) استخراج شده است. در همه این تحقیقات، پرسشنامه پایایی لازم و بالاتر از ۰/۷ را داشته است.

روایی^۱ یا اعتبار ابزار اندازه گیری با استفاده از اعتبار صوری سنجیده خواهد شد. سوالات ابزار پرسشنامه توسط اساتید محترم راهنما و استاد مشاور و استادان دیگر روش تحقیق گروه مدیریت شهری مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

جدول شماره (۳) پایایی سوالات مربوط به شاخص‌های مورد بررسی

ردیف	متغیر	ضریب پایایی
۱	حقوق شهروندی	۰/۸۷۴
۲	شفافیت	۰/۸۴۹
۳	مسئولیت پذیری و پاسخگویی	۰/۷۸۱
۴	قانونمندی	۰/۷۱۷
۵	قوانین و مقررات شهرداری یا مدیریت شهری	۰/۷۲۵

مطابق داده‌های مقاله نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب جنسیت آنان می‌باشد در جمعیت ۷۰ نفر نمونه، ۸۴٫۹٪ افراد معادل ۲۹۳ نفر آقا و ۱۵٪ افراد معادل ۵۲ نفر نیز خانم هستند. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل توزیع پاسخگویان نشان می‌دهد که ۷۳٫۶٪ درصد معادل ۲۵۴ نفر از پاسخگویان متأهل ۲۶٫۴٪ درصد معادل ۹۱ نفر هم مجرد هستند. از نظر میزان سابقه کار کمترین فراوانی (۶٪) متعلق به کسانی است که میزان سابقه کار آن‌ها ۲۵ سال به بالا قرار دارند و بیشترین فراوانی مربوط به دوره خدمت ۱۵ تا ۲۰ سال که ۱۸۰ نفر معادل ۵۲٫۲٪ افراد را شامل می‌شود در برمی‌گیرد.

۹- بررسی فرضیه‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۴ که بررسی رابطه بین متغیرهای قوانین و مقررات شهرداری و تقویت حقوق شهروندی می‌باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۰ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل قوانین و مقررات شهری و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ با توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۴۱۳ مشخص می‌شود که اگر میزان متغیر مستقل قوانین و مقررات شهرداری به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه‌ی ۰/۴۱۳ افزایش یا عبارتی دیگر تغییر خواهد داد و تقویت حقوق شهروندی افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۴- بررسی فرضیه‌های تحقیق

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب غیر استاندارد		مدل	متغیر
			Std.Error	B		
۰/۰۰۰	۱۰/۰۱	۰/۴۱۳	۰/۰۶۴	۰/۶۳۸	رگرسیون	قوانین و مقررات
۰/۰۰۰	۵۴/۹	۰/۳۸۷	۰/۵۲۰	۰/۴۹۷	رگرسیون	مسئولیت پذیری و پاسخگویی
۰/۰۰۱	۲٫۵	۰/۱۰۷	۰/۰۳۹	۰/۰۹۸	رگرسیون	شفافیت
۰/۰۰۰	۱٫۷	۰/۲۰۱	۰/۰۲۸	۰/۰۸۸	رگرسیون	قانونمندی

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین متغیرهای تقویت حقوق شهروندی و مسئولیت پذیری و پاسخگویی می‌باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۰ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است به همراه ضریب همبستگی ۰/۳۸۷؛ نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل مسئولیت پذیری و پاسخگویی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد؛ بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می‌گردد. عبارتی مسئولیت پذیری و پاسخگویی سبب افزایش تقویت حقوق شهروندی شده است.

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین شفافیت و تقویت حقوق شهروندی می‌باشد، سطح معناداری ۰/۰۰۱ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل شفافیت و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد؛ توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۱۰۷ مشخص می‌شود که اگر میزان متغیر مستقل شفافیت به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه‌ی ۰/۱۰۷ افزایش خواهد داد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تأیید می‌گردد.

با توجه به نتایج جدول فوق که بررسی رابطه بین قانونمندی و تقویت حقوق شهروندی می‌باشد، سطح معناداری ۰/۰۱۵ که کمتر از میزان خطای استاندارد (۰/۰۵) است؛ نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل قانونمندی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد؛ توجه به ضریب بتا که برابر است با ۰/۲۰۱ مشخص می‌شود که اگر میزان متغیر

1 validity

مستقل قانونمندی به اندازه یک واحد افزایش یابد، تقویت حقوق شهروندی را به اندازه ۰/۲۰۱ افزایش خواهد داد. بنابراین فرضیه صفر تحقیق رد و فرضیه یک تحقیق تایید می گردد.

۱۰- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله متغیرهای مستقل قوانین و مقررات شهرداری و مسولیت پذیری، قانونمندی و شفافیت در قالب شهرداری یا مدیریت شهری بوده است، که تا چه حد از سوی مدیران شهری کامل یا قانونمند اجرا می گردد. متغیر وابسته یا حقوق شهروندی دربرگیرنده حقوق و انتظارات شهروندی نبوده است، بلکه تنها به مفهوم وظایف و تکالیف شهروندی بوده است. اما در این تحقیق تکالیف شهروندی دربردارنده مفاهیمی از قبیل نزاکت شهروندی و مشارکت اجتماعی بوده است.

اهمیت نقش متقابل مدیریت شهری با شهروندان بر کسی پوشیده نیست؛ از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری در سطح جهانی مطرح شده است، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت را شامل فرایندهای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت «مدیریت شهری» شهری است. چنانچه نظام بر اداره امور شهر و شهرداری بدانیم و نظام حقوق شهری را به مثابه روند قانونمند کردن فرایندهای چندگانه نظام مدیریت شهری و نیز قانونمدار نمودن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه شهرداری به شهروند محسوب کنیم که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیتهای شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق مشخص می شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول مقاله با اجرای آزمون مشاهده گردید که قوانین و مقررات شهرداری در تقویت حقوق شهروندی رجوع تاثیرگذار بوده است. انتظار می رفت تحلیل محتوای ضوابط و مقررات اجرایی اعم از صدور پروانه ساختمانی، تفکیک اراضی، کسب و پیشه حاکمی، طرح ترافیک شهرداری و... چنانچه اجرایی و بروز شوند، می تواند تاثیر بسزایی در احقاق حقوق شهروندی داشته باشد. نتایج تحقیق حاصله از فرضیه مذکور با نتایج کمالی و همکاران (۱۳۹۵)؛ تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، فاطمی نیا (۱۳۹۰) و در بین تحقیقات خارجی با تحقیق بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶) و میسرا و همکارانش کشور هند در سال ۲۰۱۴ یکسان است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز بدین گونه بوده است که بین متغیرهای مسولیت پذیری و پاسخگویی و تقویت حقوق شهروندی ارتباط دارد. نتیجه این فرضیه تحقیق بیش از پیش گواه این است که تقویت حقوق شهروندی تحقق نخواهد گرفت، جز اینکه مسولیت پذیری ملکه ذهن و نهادینه شود. این امر نیازمند فرهنگ سازی بیشتری است. بدون فاکتور مسولیت پذیری و داوطلبانه از سوی مردم محله و منطقه ای، رونق و بهبود حقوق شهروندی توهمی بیش نیست. این یافته نیز تحقیق با تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، رضازاده و محمدی (۱۳۹۲)، عیدی (۱۳۸۶) و در بین تحقیقات خارجی با فاطمی نیا (۱۳۹۰)، بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶)، سین و همکاران (۲۰۱۲) و گیلبرت و گایگر در سال ۲۰۱۰ موافق و همسوست.

در فرضیه سوم تحقیق نیز نشان داده شد که متغیر اصلی به شفافیت و تقویت حقوق شهروندی راجع بوده است. انتظار می رفت که شفافیت در امور مدیریت شهری سبب تقویت حقوق شهروندی شود که این چنین نیز شد. مدیریت شهری در صورتی می تواند که موانع را از پیش رو بردارد که برخی از انتظارات شهروندان از جمله شفافیت در حوزه های مالی، عزل و نصب مدیران و... را برآورده سازد. همچنین در تحقیقات داخلی این نتیجه تحقیق با نتایج شادی و شکاری (۱۳۹۲)، تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، رضازاده و محمدی (۱۳۹۲) و در تحقیقات خارجی با میسرا و همکارانش (۲۰۱۴)، الحرابی و الیخیا (۲۰۱۳) یکسان بوده است.

اما نتیجه فرضیه چهارم تحقیق که آخرین فرضیه مقاله را نیز شامل می شود، به تاثیرگذاری متغیر قانونمندی در تقویت حقوق شهروندی راجع بوده است، از آن جا که شکل گیری قانونمندی نیازمند تعامل بین عناصر مدیریت شهری که شامل شهروندان، نهادهای اداره کننده شهر، شورای اسلامی شهر و بخش خصوصی است. لذا عدم گسترش و نهادینه شدن قانونمندی در نزد مدیران شهری سبب تمرکز گرایی شدید اداری و مدیریتی خواهد گردید و سبب نارضایتی و گسست ارتباط و تعامل بین شهروندان و مدیران شهری خواهد گردید، نشان می دهد که بین متغیر مستقل قانونمندی و متغیر وابسته تقویت حقوق شهروندی رابطه معنی دار و مستقیمی وجود دارد. نتایج تحقیق حاصله از فرضیه مذکور با نتایج ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، کمالی و همکاران (۱۳۹۵)؛ تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، فاطمی نیا (۱۳۹۰) و در بین تحقیقات خارجی با تحقیق بلیاس و کاستلیوس (۲۰۱۶) و میسرا و همکارانش کشور هند در سال ۲۰۱۴ یکسان است.

۱۰-۱- پیشنهادات کاربردی حاصل از نتایج تحقیق

- ۱- چنانچه بروز رسانی و تطبیق با واقعیات اجتماعی و شهروندی در حوزه قوانین شهری در دستور کار مدیران شهری قرار گیرد، سبب تقویت حقوق شهروندی خواهد گشت.
- ۲- مدیران شهری شهرداریها می بایست بروز رسانی قوانین شهری در حوزه های ساخت و ساز، ترافیک و... را از اولویت های کاری و برنامه ای خویش قرار دهند.

- ۳- حذف و اصلاح سازی در برخی قوانین موجود که عملاً کارایی و نظارت چندانی ندارند.
- ۴- فراخوان جذب مشارکت مردم از آغاز پایه ریزی طرحهای شهری در تهیه و تنظیم طرحها، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی جهت تقویت حقوق شهروندی
- ۵- مدیران شهری می بایست مسؤلیت پذیری و جدیت بالایی در جهت حذف بند فروش تراکم مازاد در بدنه شهرداری داشته باشند و از هرگونه منفعت طلبی پرهیز نمایند.
- ۶- شفافیت مالی، کاری و... چند ابعاد قوی بودن، مستمر بودن، به روز بودن و رسا بودن را دارا باشد.
- ۷- ارائه گزارش آمار و بودجه های هزینه شده در پروژه ها و مگا پروژه ها می تواند شفافیت عملکرد مدیران شهری را به مراتب افزایش دهد.
- ۸- مدیران شهری می بایست از پنهان کاری های غیر قانونی صورت وضعیت های مالی، تخصیص بودجه ها، فساد مالی و... در سطح مدیران استراتژیک و میانی را کاهش دهند.

منابع

۱. اسدیان، عقیل، سلیمانی، محمدرضا (۱۳۹۲). شهروند کیست، چه وظایف و مسؤلیت هایی در قبال دولت و جامعه و دارد؟». گفتگوی بنیاد آرماتشهر. ۸ قوس ۱۳۸۵. ص ۳۰ تا ۱۸.
۲. اکبرپور، حمزه (۱۳۹۵). بررسی مقایسه ای وضعیت موجود و مطلوب شاخصهای حکمروایی خوب شهری در شهرداری تهران (مطالعه موردی منطقه ۵ شهرداری تهران)، پایان نامه مدیریت شهری، گرایش امور شهری.
۳. برک پور، ن (۱۳۸۶)، (گذراز حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران)، رساله دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۴. محمدرضا، احد (۱۳۹۰). بررسی نقش نهادهای غیردولتی در احیاء جایگاه حقوق شهروندی کلانشهر تبریز، چاپ در کنفرانس بین المللی فرهنگ شهر و شهرنشین، تبریز.
۵. شیعه، علیرضا (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان، ۳۷-۶۲
۶. اسماعیل زاده، محمد و صرافعی (۱۳۹۲). جایگاه حکمروانی خوب برنامه ریزی شهری طرح متروی تهران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه جغرافیا، صص ۱۵-۱.
۷. بلایر، هارل (۲۰۰۶) مشارکت و پاسخگویی در محیط پیرامون و حکمروایی محلی در شش کشور، دانشگاه کانادا.
۸. برک پور، ناصر (۱۳۸۲) واژگان شهری، ماهنامه شهرداریها، سال پنجم، شماره ۲۱، صص ۱۱۷
۹. برک پور، ناصر (۱۳۹۶)، (گذراز حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران)، رساله دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
۱۰. رهنما، رودابه (۱۳۹۴) تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۵، صص ۲۲۴-۱۹۷.
۱۱. سعیدی، حسین (۱۳۸۷). حکمروایی خوب، دانشنامه ی مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.
۱۲. شکوهی، کمال (۱۳۹۲) بررسی تحلیلی عوامل زمینه ساز حکمروایی خوب در شهر بندر ترکمن، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۴۱-۳۱.
۱۳. رکن الدین افتخاری، ک و دیگران (۱۳۹۱) ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه جغرافیایی ژئوپلیتیک، شماره ۲۶، صص ۲۸-۱.
۱۴. نگایر، و (۲۰۰۰) چالش حکمروایی خوب برای بانک جهانی و صندوق بین المللی سرمایه گذاری خارجی (IMF).
۱۵. صالح نیا، نفیسه و همکاران (۱۳۹۹). مسولیت پذیری شهری جامعه ایران، اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی و اقتصادی شهری، تهران
۱۶. صرافعی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین و مدیریت شهری، پژوهش های جغرافیایی، ش ۶۳.
۱۷. صرافعی، مظفر و دیگران (۱۳۸۵) مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره، صص ۱۲-۸
۱۸. فخرایی، سعید (۱۳۷۸)، ب ررسی میزان قانون پذیری و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی: ۶۴ تا ۸
۱۹. کمالی مشهود، ناصر و همکاران (۱۳۹۵). نقش شهرداری ها در تحقق پذیری حقوق شهروندی با رویکرد مشارکتی، چاپ در کنفرانس بین المللی مهندسی معماری و شهرسازی، تهران. خرداد (۱۳۹۵).
۲۰. رازقی سیدابوصالحی (۱۳۸۹). توسعه اقتصادی، اجتماعی و قانون شکنی « مجموعه مقالات همایش قانون و قانون گرایان و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۱. محمدی، آل سعید (۱۳۸۹) مدیریت شهری و راه های تقویت مشارکت شهروندی، انتشارات بوستان قم.
۲۲. منتظری، سید علی اکبر (۱۳۸۷)، مجموعه کامل قوانین و مقررات شوراهای اسلامی قم، انتشارات بیت الاحزان
۲۳. نورمن، هامرال؛ کمیلیکا، پاول (۲۰۰۶) مشارکت و پاسخگویی در محیط پیرامون و حکمروایی محلی در شش کشور، دانشگاه کانادا.
۲۴. محسنی، محمد (۱۳۷۸)، بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در قانون گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۵. محسنی، رضا (۱۳۸۴)، رابطه قانون گرایی با کاهش جرم، فصلنامه فرهنگ عمومی، چاپ ششم سال سوم.
26. Belisas, bro, Kastilos (2016) Investigating the relationship between the guarantee of municipal law enforcement and citizenship rights, published by Palgrave Macmillan palgrave, New York
27. Gilbert Alen, Gaiger Zhozef (2013) Rights citizenship and management urban at developed countries and developing countries. citizenship science, vol, 12, No. 3, pp 1-19.
28. Seen, Polas (2012). Factors affecting the observance of homework and citizenship duties, First published by Earthscan in the UK and USA, London
29. Sociological and Economic Approaches to the Analysis of Social Structure. (1988), pp. S95-S120 Alharabi, Mahmood & Alyahya, Khaled (2013) Citizenship culture and its dimensions Citizenship culture and its dimensions, First published by Earthscan in the UK and USA, London
30. United Nations Development Programme (2002). Depending in a developing world. Oxford university press. P.367
31. Yesil, Giovanni & Kaya, (2012) mehmet, Urban Management in the Formation of Citizenship Rights, Published by The Press Sunicate of the University of Cambridge